

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۰

## فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزارت پیشه و هنر و بازرگانی راجع به تشکیل اطاقهای بازرگانی .
- ۳ - بقیه شور در لایحه املاك واگذاری .
- ۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و چهل دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۹ بهمن ماه را آقای طوسی (منشی) خواندند

### ۱ - تصویب صورت مجلس |

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر) صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - هیجده نفر از آقایان قبل از دستور اجازه خوانسته اند .

۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزارت پیشه و هنر و بازرگانی راجع به تشکیل اطاقهای بازرگانی |  
رئیس - آقای وزیر فرهنگ فرمایشی داشتند .

۳ - بقیه شور در لایحه املاك واگذاری |  
رئیس - بعضی از نمایندگان - دستور .

وزیر فرهنگ ( آقای تدین ) - لایحه ایست مربوط به تشکیل اطاقهای بازرگانی چون آقای وزیر بازرگانی مختصر کسالتی داشتند از طرف ایشان بنده تقدیم مجلس میکنم .

امیر تیمور کالالی - عرض بنسبده قبل از دستور ایست اجازه میفرمائید عرض کنم سؤالی است که از آقای وزیر دارائی کرده ام بوسیله مقام ریاست و یکی دو مرتبه هم بخودشان عرض کرده ام ولی برای جواب حاضر نشده اند .  
رئیس - بایشان اطلاع داده شده است صبر کنید حاضر

عین مذاکرات مشروح بیست و سومین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین با اجازه - آقایان : کوردرزنها - ساطانی - دکتر امان .
- غائبین بی اجازه - آقایان : توابت - موقر - صدر - محبط لاریجانی - خواجه نوری - مهدیب - جلالی - مؤید قوامی - اصفهانی - طاطمی - ادهم - جهانشاهی - آصف - صادق وزیري - معدل .
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان : امیر تبهور - پناهی .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مسعودی خراسانی - سزوار - جابلی - یمن اسفندیاری - اکبر - نیکپور - مستشار - نصرتیان .

بشوند مطالبتان را بفرمائید. ماده دوازده لایحه قانون املاک قرائت میشود.

ماده ۱۲ - هیئت رسیدگی میتواند شخص شاکی یا نماینده او را برای توضیحات و رسیدگی احضار کند و همچنین میتواند اشخاص دیگری را هم برای توضیح بخواند و بوسایل لازم و مقتضی تحقیقات محلی بعمل آورد.

رئیس - آقای انوار.

انوار - اگر چه در کمیسیون صحبت شد ولی برای اینکه رفع سوء ظن بشود در اینجا هم عرض میکنم آقای وزیر دادگستری میگویند مسلم ما در مقام پس دادن این املاک هستیم بصاحبانش آقای رئیس الوزراء هم میفرمایند مسلم ما در صدد پس دادن املاک مردم هستیم. در ماده پنج میگوید وزارت دارائی نمایندگان معین خواهد کرد. غرض توجه اعضاء مجلس است به تنظیم موادی که دولت داده است. وزارت دارائی نمایندگان معین خواهد کرد که در موقع رسیدگی باین شکایات حاضر شده توضیحات لازمه را در مقابل دعاوی اشخاص بدهند این يك موضوع بکجای دیگر میگوید که روایت شکایت نامه و مدارك باید بوسیله دفتر هیئت رسیدگی بوزارت دارائی ابلاغ شود. نماینده مالیه را در اینجا اینقدر اهمیت میدهد. اما نسبت بآن کسانی که املاک اگر خدا بخواند باید بآنها برگردد میگوید: میتواند شاکی را احضار کند این یعنی چه یعنی میتواند شاکی را بطلبد یا نه؟ ولی نسبت به نماینده وزارت دارائی که گفته میشود باید حاضر باشد یعنی چه؟ نماینده وزارت دارائی چه سمتی دارد؟ سمت وزارت دارائی وقتی است که از مجلس معین شده. اینجامعین شده است که هیئت رسیدگی میتواند شخص شاکی یا نماینده او را برای توضیحات بخواند این است که بنده پیشنهاد کردم که هیئت رسیدگی باید شخص شاکی یا نماینده او را حاضر کند. این اولاً و ثانیاً اینکه آقای وزیر دادگستری باید توجه داشته باشند که در شور اول هر کس ایرادی دارد پیشنهاد میکنند میرود به کمیسیون دیگر آقای وزیر

دادگستری ملزم نیستند حتماً هر پیشنهادی را ببلند شوند جواب بدهند و این بجز تضییع وقت چیز دیگری نیست. وزیر دادگستری - بنده از راهنمایی نماینده محترم متشکرم ولیکن باید عرض کنم که راست است بنده ملزم نیستم باین قسمت جواب بدهم و در مواقعی هم که لازمست از این حق باید استفاده کنم و این استفاده از حق هم برای این است که گمراهی حاصل نشود و مطلب مشتبه نشود و البته بنده میل دارم که وقت تلف نشود و بیخود هم اسباب زحمت آقایان نمایندگان محترم را فراهم نکنم باین جهت فقط در آنجا هایی که لازم است عرض کنم مطالب خودم را عرض میکنم برای اینکه مطالب تکرار نشود و از ابتدا مطالبی که طرح میشود بهجری صحیحی وارد شود که يك سوء تفاهمی ایجاد نشود. چنانکه در موضوع ماده دوازده که آقای انوار تذکر دادند و عطف فرمودند بماده پنج و حضور نماینده وزارت دارائی بنده تصور میکنم که این نااندازه ای تکرار شده است برای اینکه راجع بحضور نماینده وزارت دارائی در جلسه قبل هم مذاکره شد و بنده هم جواب عرض کردم که حکمتش چیست و علتش چیست و این جمله هم که نوشته شده است: میتواند شخص شاکی یا نماینده او را برای توضیحات و رسیدگی احضار کند اگر توجه بفرمایند بسبب عبارت معلوم میشود که ممکن است شاکی نماینده بفرستد با حضور نماینده مطلب حل بشود و ممکن هم هست هیئت رسیدگی حضور شخص شاکی را لازم بداند باین جهت اختیار داده شده است که هیئت میتواند هم شاکی و هم نماینده او هر کدام را مقتضی بداند احضار بکند و برای رسیدگی به موضوع و احراز حقیقت این مطلب لازم است و بنظر بنده (باید) لازم ندارد (میتواند) بهتر است و اگر آقایان پیشنهادی هم دارند بدهند در کمیسیون صحبت میشود.

رئیس - آقای دکتر جوان  
دکتر جوان - بنده این قسمت را که آقای انوار تذکر دادند یکی از قسمت های خیلی مهم رسیدگی میدانم چون در این قانون هیئت ها را بالاخره مکلف کرده اند که رعایت آن

دادسی مدنی را بنمایند و اینجا البته اختیار هیئت های دادرسی خیلی زیاد شده است آنوقت در مقابل این اختیارات اگر يك اواقص اساسی هم در کار باشد خیلی اسباب زحمت خواهد شد اینکه آقای وزیر میفرمایند که میتواند دادگاه شخص شاکی را حاضر کند یعنی میتواند که شخص شاکی را قبول هم نکند در عمل همیشه حضور شاکی برای رسیدگی لازم خواهد شد برای اینکه در قانون مینویسد این دادگاه ها و هیئت ها ملك را بدست متصرف میدهند فرس بفرمائید کسی درخواستی داد نماینده وزارت دارائی هم جوابش را داده هنوز شاکی که در مقام بل این جواب او جوابی نداده و وزارت مالیه هم در مقابل تصرفات هنوز جواب صحیحی نداده دادگاه چگونه میتواند قرار تحقیقات محلی را صادر کند جز اینکه شاکی حاضر باشد و تقاضا کند و اصلاً این معقول نیست و تصورش رانه بشود کرد که شاکی دادخواستی بدهد و نماینده مالیه هم در آنجا توضیحاتی بدهد هنوز شاکی نیامده تقاضای تحقیق محلی بکند دادگاه باید قرار تحقیق محلی صادر کند پس این وضعی که در اینجا اتخاذ شده که هم نماینده وزارت دارائی کتباً دفاع کند و هم در جلسه حق دارد حاضر شود و از طرف دیگر به این هیئت ها اجازه داده شده که این هیئت رسیدگی حق داشته باشد شاکی را بپذیرد و قبولش بکند این در عمل تولید اشکال خواهد کرد و ممکن است اسباب تضییع حق مردم بشود و از طرف دیگر هم برای رسیدگی یا دادگاه هست یا حکم و شق نالت نداریم حکم نیست در این هیئت ها برای اینکه انتخابشان براضایت دو طرف نیست پس این هیئت ها داوری نیستند ولی از طرف دیگر متأسفانه اولاً مکلف نیستند که رعایت آئین دادرسی مدنی را بنمایند دوم اینکه هیئت ها میتوانند شاکی را قبول بکنند بداد گاهها بنابراین بنده امیدوارم که وضع این رسیدگی و این حکمی که صادر میشود چه شکل خواهد بود.

وزیر دادگستری - بنده نمیدانم آقای نماینده محترم از کجای این قانون استنباط کردند که میتواند قبول نکند! محاکمه بدون اطراف دعوی مورد ندارد معقول نیست (دکتر - جوان اینجا بنویسید) این نوشتن لازم ندارد این جزء اصول

دعوی است در دعوی باید با طرفین حاضر باشند یا نماینده شان و اینکه در اینجا گذاشته شده است شخصاً حاضر باشند بنده اینجا مخصوصاً توضیح میدهم که هیچ سوء تفاهم پیش نیاید این فقط برای این است که از شخص شاکی بخواهند تحقیقاتی بکنند که مطالب را بهتر میتواند روشن بکنند ممکن است نماینده شاکی اطلاعی که لازم باشد نداشته باشد و شخص شاکی بیشتر اطلاع داشته باشد و خواستیم اینجا فرمالیته را کمتر کرده باشیم و راه را باز کرده باشیم برای اینکه احراز حقیقت کرده باشیم و الا موضوع قبول نکردن در کار نیست و اگر میخواستیم قبول نکنیم سر بجا مینوشتیم قبول نکردن حکم میخواهد اینجا فقط نظر این است که شاکی احضار شود احضارش مینمایند که با وجود نماینده اش خودش هم با تدوین بشود از او تحقیقات لازم را بعمل آورد که حقیقت روشن بشود.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.  
پیشنهاد آقای دکتر طاهری  
پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ بترتیب ذیل نوشته شود:  
ماده ۱۲ - شخص شاکی یا نماینده او میتواند برای توضیحات حاضر شود و هیئت رسیدگی نیز میتواند اشخاص دیگری را هم برای توضیح بخواند و بوسایل لازم و مقتضی تحقیقات محلی بعمل آورد.  
پیشنهاد آقای انوار.  
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ عوض کامه «میتواند» نوشته شود «باید الی آخر».  
رئیس - ماده سیزده قرائت میشود:  
ماده ۱۳ - در صورتیکه نسبت بیک ملك چند نفر شکایت کنند هیئت رسیدگی کرده بدو متصرف قبل از تصرفات اعلی حضرت شاه سابق را تشخیص میدهد و پس از آن گفتگویی او را با دولت بر طبق این قانون قطع و فصل مینماید.  
چنانچه پس از صدور حکم بدوی در دعوائی در ظرف مدت ششماه مذکور در ماده ۶ شکایت تازه ای نسبت بهمان موضوع بشود اگر موضوع در هیئت تجدید نظر مطرح باشد

آن شکایت برای رسیدگی بهیئت تجدید نظر فرستاده میشود و اگر از هیئت تجدید نظر هم حکم صادر شده باشد هر گاه دولت محکوم له باشد موضوع در هیئت بدوی رسیدگی میشود و اگر حکم بنفع اشخاص صادر شده باشد شاکی میتواند بهار فیت اشخاص در دادگاههای عمومی اقامه دعوی نماید تا در آنجا رسیدگی بعمل آید.

تبصره - تشخیص هیئت رسیدگی راجع بصاحب حق فقط ضمن شکایت از رأی الهائی قابل تجدید نظر است.  
رئیس - آقای طباطبائی.

**طباطبائی** - بنده در مواد گذشته این نظر را عرض کردم که هر قدر دست شاکی را باز بگذاریم و راه را برای شاکی ها و متظلمین بندهیم مقصود و منظور است که ما داریم بیشتر و بهتر تأمین و عملی خواهیم شد در آخر ماده ملاحظه میفرمائید در جایی که فرض شده است پس از صدور حکم بدوی در دعوی اگر شکایت تازه ای رسید آن شکایت برای رسیدگی به هیئت تجدید نظر فرستاده میشود اما اگر در هیئت تجدید نظر هم حکم صادر شد در این صورت یک تفاوتی بین دولت و اشخاص ذی نفع قائل شده است در ماده و این صلاح نیست و آن تفاوت این است که میگوید اگر دولت محکوم له شود موضوع در هیئت بدوی رسیدگی میشود ولی اگر حکم بنفع اشخاص صادر بشود شاکی و متظلم میتواند بهار فیت اشخاص در دادگاههای عمومی اقامه دعوی بکند حال این تفاوت بنده نمیدانم چیست؟ بین دولت و اشخاص در این موضوع چه تفاوتی است آقای؟ غیر از اینکه دولت دستگاه دستش است و وسایل و اسباب همه دست دولت است و در تصرف دولت است اینجاست نیست که بنده این نکته را هم عرض کنم که یکی از بدبختی های این اشخاصی که امثال خودشان را از دست داده اند این است که در دست اینها هیچ مدرکی سندی برای آنها باقی نگذاشته اند اینک بنده در ماده اول عرض کردم که اگر ایت خیلی خالص است (که انشاءالله خالص خواهد بود) ممکن است با همان دستگاهی که این املاک را گرفته اند دوباره با همان راه با همان ترتیب منتهی با عکس العملش البته

مال خود مردم را بمردم پس بدهیم یکی از جهاتش همین است. کسی که ملک زمین و آب داشته است آنها اکثراً نکرده اند که ملکش را بگیرند او را برده اند اول ملکش را گرفته اند بعد تمام اسناد، قبالة بنچاق و هر چه مدارک و اسناد در دستش بوده هم را گرفته اند، الان کجا است؟ یا در دفتر املاک است و یا در تصرف خود دولت و خواستن مدارک از مردم اصلاً در این مورد مشکل است. بنده البته عرض نمیکنم که هر کس آمد حقی داشت بدون مدارک باو بدهند برود ولی واقعا تهیه مدارک خیلی مشکل تر است از گرفتن خود ملک، عرض کردم خوب دولت دستش باز است دستگاه اداری و قضائی دست دولت است مدارک و اسناد همه چیز در تحت اختیار دولت است حال اینک نفری است که میخواهد بدولت شکایت کند شاکی را اقلاً آزاد بگذارد شکایت کننده مصلحت خودش را خوب تشخیص میدهد اگر خواست به هیئت شکایت میکند اگر مصلحت خودش را ندید میتواند بدادگاه مراجعه کند.

**طهرانی** - آوقت میروید بدادگاه اختصاصی مثل مالیه و خوب نیست.

**طباطبائی** - خوب البته مطابق قانون دیگری است.  
**وزیر دادگستری** - خوب است که بعضی صحبتها بشود تا مطالب خوب روشن بشود بنده از این بابت تشکر میکنم از آقای طباطبائی چون توضیح این مطالب مطالب دیگری را هم واضح میکند و روشن میشود. اینکه موضوع مدارک را فرمودند بنده هم همانطور که اطلاع دارم راست است اسناد و بنچاق های مردم را در معامله بطوریکه در هر معامله معمول است از مردم گرفته اند ولی اداره املاک و گذاری که آقای نماینده محترم تابلوش را ملاحظه فرموده اند برای این تأسیس شد که آن ایت خالصی را که هم درش تردید داشتند و اظهار کردند که اگر واقعا ایت خالص است خوب است اینطور بشود برای ابراز همان ایت خالص این اداره تأسیس شد که مقدمات این کار را فراهم کند و بنده خیلی ممنون میشوم از ایشان با سایر آقایان که تشریف ببرند در آنجا و ملاحظه بفرمائید که چطور مقدمات کار فراهم شده است الآن شاید متجاوز از هزار و پانصد دوسیه دو هزار دوسیه تشکیل شده که تمام

مدارک اشخاص بنا بر شکایتی که کرده اند تهیه شده و حاضر است. آقا دولت خیال ندارد با افراد بعنوان طرف معامله کند دولت میخواهد واقعا اشخاصی که مالک و متصرف بوده اند ملکشان را بهشان پس بدهد و همین جهت هم این پرونده ها را تنظیم کرده و اسناد و مدارک آنها را هم منظم کرده است که خودشان بتوانند از مدارک خودشان استفاده کنند پس این دلیل بر ایت خالص دولت است. اما راجع به ماده مانحن فیه خیلی از آقایان نمایندگان محترم به بنده تذکر دادند که خیلی روشن است و بنفع مردم است و تعجب کردم از آقای طباطبائی که چه طور شده وقت فرمودند درش و اگر وقت بفرمائید خواهند دید این ماده نه برای این است که سلب آزادی از افراد کرده باشد بلکه برای این است که راه بهتری برای آنها باز کرده باشد فرمودند که چه علت دارد که تفاوت بین مردم و دولت گذارده میشود ملاحظه بفرمائید ماده چه جور تنظیم شده (چنانچه پس از صدور حکم بدوی در دعوائی در طرف مدت ششماه مذکور در ماده شش شکایت تازمادی نسبت به همان موضوع بشود اگر موضوع در هیئت تجدید نظر مطرح باشد آن شکایت برای رسیدگی به هیئت تجدید نظر فرستاده میشود) این را البته توجه فرمودید. این در صورتی است که یک شاکی آمده شکایتی را کرده و از آن شکایت تجدید نظر خواسته است و در ضمن تجدید نظر هم یک شخص ثالثی آمده است و یک شکایتی کرده است باید تکلیفش را معین کرد اگر در مرحله تجدید نظر است اختیار داده میشود اگر حکم از هیئت تجدید نظر صادر شده این حکم اگر بر له دولت صادر شده آوقت موضوع در هیئت بدوی رسیدگی کسی خواهد شد در واقع تجدید کردیم محاکمه را که اگر بر له دولت بوده است از نو در همان دعوی رسیدگی بشود و همچنین شخص ثالثی که آمده شکایت کرده حقی دارد حق او داده شود ولی اگر محکوم له شخص شاکی اولی بوده است چون حکم از تجدید نظر هم صادر شده است آنجا چون راهی نیست که در این هیئت رسیدگی شود و فرض هم این است که ممکن

است او هم حق داشته باشد و باید هم بکجائی رسیدگی بشود آوقت باید برود در محاکم عمومی تا در آنجا رسیدگی و احقاق حق بشود بنا بر این مطلب خیلی روشن است و تصور میکنم که بهترین راه برای احقاق حق همین بوده است که در نظر گرفته شده

رئیس - آقای دکتر جوان

**دکتر جوان** - در این ماده يك اشکال اصولی بوده بطور اختصار تذکر خواستم بدهم که در تمام قوانین حق نداده اند يك محکمه پائین تر که حکم محکمه بالاتر را مورد رسیدگی قرار بدهد و یا فسخ کند ولی متأسفانه در این ماده اینطور پیش بینی کرده و مینویسد اگر شکایتی برسد و حکم هم از هیئت تجدید نظر بر نفع دولت صادر شده است رسیدگی آن میروند به هیئت بدوی خوب هیئت بدوی رسیدگی کرد دید حق با این شاکی است این هیئت بدوی حکم تجدید نظر را چه میکند؟ فسخ میکند؟ هیئت پائین تر که نمیتواند حکم هیئت عالی را فسخ کند اگر فسخ نکند و رسیدگی بکند که این ماده صریحاً مینویسد فرستاده میشود این است که بنظر بنده این ماده اساساً صحیح نیست و بر خلاف اصول است که مینویسد برای رسیدگی اگر از هیئت تجدید نظر حکم صادر شده و حکم به نفع دولت صادر شده موضوع در هیئت بدوی رسیدگی میشود محکمه تجدید نظر يك محکمه عالی تری است که حکم از آنجا صادر شده است و امیدش در هیئت بدوی و پائین تر حکم هیئت عالی تر را مورد رسیدگی قرار دهند.

**وزیر دادگستری** - اظهارات نماینده محترم ناشی از يك اشتباهی است که فرمودند اگر حکم تجدید نظر مابین دولت و همان شخص اولی بود مطلب همینطور بود که ایشان اظهار فرمودند ولی حکم تجدید نظر مورد شکایت شخص ثالثی واقع شده است که نسبت به همان دولت اقامه دعوی میکنند در این صورت باید در يك مرحله رسیدگی شود و آن مرحله هم مرحله بدوی است و آن حکمی که صادر شده راجع به آن بوده است که مابین دولت و شاکی اولی بوده است اینجاست که

فرقی کرده است و موضوع هم باز رسیدگی میشود و هیئتی که پیش بینی شده است هیئت بدوی است که رسیدگی میکند و اگر لازم باشد دو مرتبه در هیئت تجدید نظر هم رسیدگی میشود.

رئیس - آقای انوار .

انوار - در این عبارت آقای وزیر توجه فرمایند . از مجموع این موادیکه ما توجه داشتیم همچو استنباط کردیم که این گفتگو دومرحله بیشتر ندارد یکی بدوی است یکی تجدید نظر بدوی رأی میدهد بعد نسبت بآن رأی بدوی شکایت میشود می رود به تجدید نظر پس رأی نهائی ما نداریم که بگوئیم از ابتدائی رفته است به استیناف و از استیناف رفته است به تمیز اینجا نظر بنده این است که باید نوشته شود شکایت از رأی بدوی قابل تجدید نظر است و رأی نهائی ما نداریم این مسئله را خواستم توضیح فرمایند . موضوعی را که آقای دکتر جوان تذکر دادند هیئت تجدید نظر را محکمه عالی قرار داده اند وقتی که اینطور شد حکمی که از مرتبه عالی آمد مرتبه نازل نمیتواند نقض کند ولو بعنوان شخص ثالث باشد این است که بنده همچو تصور میکنم چون نظر دولت در این قانون به این است که کاملاً رعایت تمام مقررات و اصول را کرده باشیم در حقیقت يك قانونی نوشته اند بین حکمیت و اصول محاکمات به این که کاملاً رعایت اصول محاکمات در اینجا بشود و بنده با این موافق هستم چون هرچه در این قسمت صحبت کوتاه تر شود و محاکماتش کوتاه تر شود بهتر است از این نظر بنده عقیده ام این است که اینطور که آقای دکتر جوان فرمودند بشود بهتر باشد تا آن وضعی که شما فرمودید .

مظفر - اگر توجه فرمائید اعتراض آقای انوار نسبت به رأی نهائی وارد نیست برای اینکه وقتی حکمی از دادگاه صادر شد اعم از بدوی یا استینافی آن حکم را رأی نهائی میگویند چون ماهیتی است آرا رأی نهائی میگویند اما در آن قسمت که توضیح فرمودند آقای وزیر دادگستری بنده هم خواستم عرض کنم نظر کمیسیون این بوده است که

يك برتری برای مردم نسبت بدولت قائل شوند برای اینکه وقتی که حکم برفع دولت صادر شد آوقت نه اینکه حکم تجدید نظر را بیاورند در مرحله بدوی رسیدگی کنند خیر آن حکم مستند مالکیت دولت است و قتیکه شخص نالی آمدو ادعائی کرد باز رجوع میشود رسیدگی آن در مرحله بدوی و چون آن حکم تجدید نظر بین دولت بوده است و شخص دیگری که رسیدگی شده است و تشخیص شده است که مالک دولت است و قتیکه مالک دولت است این را نخواسته اند که به محاکم عادی بفرستند که خیلی طول بکشد در همان محکمه بدوی رسیدگی میشود و چون حکم صادره سند مالکیت دولت است شاکی دلائل خود را ابراز میکند و به شکایت او دلائل او رسیدگی میشود اگر مالکیت او ثابت شد حکم بهش میدهند بنابراین حکمی را در آن جا از اعتبار قانونی نمیدانند .

رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی - بنظر بنده عبارت یکقدری روشن بنظر نمی آید (وزیر دادگستری - پیشنهاد کنید) اگر عبارت را باین ترتیب اصلاح فرمائید که (شکایت تازه راجع به آن موضوع) بهتر است و اعم از این است که آن شاکی شکایت کرده باشد یا شخص نالی . (وزیر دادگستری - پیشنهاد فرمائید) .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - ماده ۱۴ خوانده میشود :

ماده ۱۴ - هیئت پس از تکمیل رسیدگی با رعایت مراتب زیر رأی خود را بانفاق و یا با اکثریت خواهد داد اعم از اینکه مبنی باشد بر استرداد تمام یا قسمتی از موضوع دعوی یا دادن ملک دیگری از املاک و اگذاری که مناسب با میزان گفتگو باشد یا وجه نقد و یا حکم به بیحقی شاکی .

الف - در صورتیکه ملکی بدون عنوان معامله غصباً تصرف شده باشد چنانچه تغییر مهمی از حیث بنا و غیر آن در آن حاصل نشده باشد حکم به رد عین ملک داده خواهد شد و هر گاه ساختمان مهم یا تغییرات اساسی دیگری در ملک شده باشد حکم بردهای کنونی ملک مزبور (مطابق وضعیت روز تصرف) صادر میشود .

ب - در صورتیکه بهای پرداختی ملک خریداری شده بیش از سه هزار ریال نباشد صرف نظر از دعوی غبن و غیره ملک عیناً بدون مطالبه بهای پرداختی بفرشونده یا کسی که متصرف حین انتقال تشخیص گردد بدهی شود مشروط بر اینکه ساختمان مهم یا تغییرات اساسی در آن داده نشده باشد که در اینصورت تفاوت بهای حقیقی ملک مطابق وضعیت روز انتقال پرداخته خواهد شد . چنانکه بکنفر معاملات متعددی نموده باشد میزان سه هزار ریال در صورتی مناط عمل میباشد که مجموع قیمت های پرداخت شده با و از سی هزار ریال تجاوز ننماید .

ج - چنانچه بهای معامله ملک مورد شکایت بیش از سی هزار ریال باشد تفاوت مبلغ خریداری با بهای حقیقی تاریخ معامله مطابقت نکند و در ملک هم احداث ساختمان مهم و یا تغییرات اساسی دیگری داده شده باشد حکم به رد تفاوت بهای ملک مطابق وضعیت روز انتقال صادر خواهد شد و ملک به ملکیت دولت باقی خواهد ماند و اگر تغییرات اساسی و ساختمان مهمی در ملک نشده باشد در صورت احراز تفاوت مذکور در بالا بنا بر تقاضای شاکی ملک پس از دریافت بهای پرداخت شده مسترد میگردد و یا حکم به پرداخت تفاوت بها داده میشود .

د - در تمام موارد مذکور هر گاه در قسمتی از ملک ساختمان مهم یا تغییرات اساسی شده و بقیه ملک بحال اصلی بدون تغییر اساسی باقی مانده باشد و برای استفاده از قسمت اول هم مورد احتیاج نباشد قسمتی که در آن ساختمان مهم یا تغییرات اساسی شده و یا برای استفاده این قسمت لازم باشد به ملکیت دولت باقی خواهد ماند و قیمت حقیقی آن مطابق وضعیت روز تصرف بکسی که در آن تاریخ متصرف بوده پرداخت خواهد شد و بقیه ملک هم عیناً با و مسترد میشود مگر اینکه ملک قابل تجزیه نباشد که در اینصورت قیمت با تفاوت قیمت تمام ملک پرداخته خواهد شد .

ه - اگر در عوض ملک مورد شکایت ملک دیگری بشاکی داده شده باشد در صورت موافقت دولت از نظر مصالح عمومی

کشور و همچنین در صورت عدم احداث ساختمان مهم یا تغییرات اساسی در عوض یا معوض ملک بشاکی مسترد میشود و عوض آن بدولت برمیگردد و اگر دولت موافقت نداشته باشد و تفاوت قیمتی در بین باشد حکم بر رد تفاوت قیمت مطابق وضعیت روز معاوضه داده خواهد شد .

و - حقوقی که رعایا نسبت با عیان و غیره از سابق در این املاک داشته اند بحال خود محفوظ خواهد بود و رد این املاک به متصرف آن خللی بحقوق رعایا وارد نمیسازد .

تبصره - ساختماهای روستائی از ساختهماهای مهم محسوب نمیشود .

رئیس - آقای مؤید احمدی .

مؤید احمدی - بنده بیک نکته برخورد میکنم که لازم دانستم این جا عرض آقای وزیر دادگستری برسانم که يك فکری برای آن بکنند و جواب قانع کننده بدهند . عرض کنم که این لایحه که دولت تهیه کرده بود قبل از این که به کمیسیون دادگستری بیاورند تا دو هزار تومان بود و بعد رفتند و سه هزار تومان کردند حالا پیشنهادی هم داده اند که پنجاه هزار ریال بشود . عرض کنم بنظر بنده نظر دولت فلسفهای که در نظر گرفته اند که تا این مبلغ پولی را که بیک شخصی داده اند بگیرند بنده همچو فهمیدم که چون منافع را نمیخواهند بدهند این را در نظر گرفته اند يك ملک است از شخصی برده اند و از منفعت آن چندسال استفاده کرده اند و حالا ملکش را میخواهند پس بدهند چون در این لایحه اسمی از منافع نبرده اند و آنچه بنظر می آید این است که دولت میخواهد این مبلغی که داده شده در مقابل آن منافع بگیرد ولی يك تفاوتی در اینجا هست يك کسی است که ملکش را پانزده سال پیش از این گرفته اند و معامله شده ( زیرا اگر غصب شده باشد که در آن ابدأ حرفی نیست ) عرض کردم يك کسی است که ملکش در شانزده سال هفده سال پیش از این ضبط شده يك کسی ملکش سال گذشته خوب اینها را مساوی میگیریم ؟ اگر فلسفه این کار منفعت است این را باید فرق بگذاریم و باید بآن کسی که پانزده سال است گرفته است تا پنجاه هزار

تومان گرفته نشود و آن کسی که پارسال ملکش گرفته شده بآن نمیشود پنجهزار تومان را داد بنظر بنده در این قسمت بایستی یک تفاوتی قائل شد و الا همینطور چوب انداز بنظر بنده عادلانه نیست اگر نظر دولت این است که چون منافع را نمیدهند این پول را از من نمیگیرند فرق دارد بین اشخاصی که چندسال پیش از این ملکش را برده اند با اشخاصی که پارسال ملکش را برده اند.

رئیس - آقای انوار.

انوار - بنده هم مخالفم بعد از موافق.

رئیس - بفرمائید فعلاً موافق ندارد.

انوار - نظر من دقت در این قانون است آن روز هم آقای وزیر دادگستری فرمودند که این ماده شش و ماده چهارده از مواد مهم و با دقت این قانون است آقایان توجه بفرمایند که این را کاملاً تحت نظر بگیرند. یکی از آن چیزهایی که در این ماده هست موضوع تغییرات اساسی است. اولاً بنده عقاید خودم را در این ماده عرض میکنم و پیشنهادهای هم داده ام و تصور میکنم طرف توجه هم بشود (چون پیش خودم که خیلی طرف توجه است) چرا ما از مازندران اسم میبریم مازندران ماهی دشت فرمان و جاهای دیگر همه آباد شده است و در این هم حرفی نیست که این املاک انتقاعش بیشتر شده است و نفع بیشتر میبرد یعنی مملکت نفع میبرد ولی بمجرد اینکه این تغییر اساسی یا تغییر مهم واقع شده باشد مالک ملکیت ندارد و بهش ندهند این را من عقیده ندارم. ما باید سه چیز را استثناء کنیم اول بگوئیم که اگر کارخانه احداث کرده اند یا مثل حبیب آباد است و نوشهر است یا اشرف است که بندر احداث کرده اند یا کاخ سلطنتی درست شده است مثل ده شاه پسند و جاهای دیگر اینجا هارا معین کنند و مستثنی کنند و این تغییر مهم و اساسی است و الا مطلق تغییر اساسی مخالفت دارد با این نظری که دارند و میخواهند قانون واضح باشد این اسباب شبهه میشود چوش هیئت رسیدگی و هر کجا ممکن است این تعبیر شود که تغییر مهم کرده است ایران تا آن زمان قبل از انقلاب تغییر مهم نکرده است با این

که بگوئیم که تغییر مهم نشده است که نمیشود؟ ما بایستی این را کاملاً معلوم کنیم که مناط تغییر مهم چه چیز است مناط اقدام اساسی چه چیز است موضوع را معین نمایند که هم هیئت دادرسی تکالیف معین شود و هم محل شبهه نشود که کشمکش شود و مدتی طرفین گرفتار شوند این را نسبت باین قسمت بنده نظر دارم و پیشنهاد کردم اما راجع بآن جزء اول ما باید بین الحق و الباطل بگیریم یکی از رفقا میگفت که نمیشود احکام شرع را اینجایم رعایت کنیم ما باید یک ترتیبی را اینجا بگیریم که مالا یدرک کله لا یشرك کله باشد آن قدری که ممکن است رعایت شود باید رعایت کرد یک ملک را که هیئت رسیدگی تشخیص دادند که قهراً و بطور غصب و بزور سر نیزه این ملک را برده اند نه قبالة داده شده و نه پولی داده شده است و این مدت را هم خودتان میدانید که همان دهاتیهای بدبخت یا همان رنجبر بیچاره با شکم گرسنه خودشان آباد کرده اند و میدانید که از جای دیگر عملاً نیآورده اند همان مازندران بدبخت آنجا را آباد کرده است خدا میداند خدا میداند همان خودشان آنجا را آباد کرده اند من در گرگان تحقیق کردم تحقیق کامل کردم همان رعیت بیچاره شاید با هزار و شامی قناعت کرده است و این املاک را آباد کرده است (یک نفر از نمایندگان - شام و هزارش را هم خودش آورده است) و هر روز هم آقای سروان یا آقای ستوان بحکم آقای امیر لشکر آمده است و دستوری داده است و این رعایا جان کنده اند و آباد کرده اند درست است که آباد کرده اند منجلا بهایشرا قیر ریخته اند ولی حالا باید بگوئیم که ملک را که ده سال قبل از شخصی گرفته اند و منافعش را برده اند بهشان داده نشود؟ اینجا بنده پیشنهاد کردم که معلوم کنند قبل از اینکه این املاک را بگیرند و این آبادی بآن برسند منافعش سالی چقدر بوده است همان منافع را در نظر بگیریم نه اینکه بگوئیم عوائل این ده آوقت در سال صد تومان بوده است و حالا رسیده است به پانصد تومان چون آباد شده آنها را تحقیق کنید منافع آنرا در روزی که تصرف کرده اند و به عنف برده اند چقدر بوده است همانرا بهشان بدهند. آقای وزیر

دادگستری الحمدلله کاملتر از بنده مطلع هستند به قوانین و مطلع هستند از مسئله غصب و میدانند که در غصب سه عقیده است یک عقیده این است همان روزی که غصب کرده است قیمت یوم الغصب را ازش بگیرند عقیده دوم میگویند که قیمت یوم الادا را باید بهش بدهند و عقیده دیگر اینکه اعلی القیم را بدهند ما اعلی القیم را نمیگوئیم یوم الادا را هم نمیگوئیم یوم التصرف را هم نمیگوئیم بنده عرض میکنم آن منافعی را که در عرض چهار سال پنجاه سال ملاحظه کنید آن منافعی اولیه را ملاحظه کنید و یک کسی که دهش را باینجهور ضبط کرده اند حقی برایش قائل شوید و ملاحظه ازش بکنید این هم یک موضوعی است که بنده عرض میکنم که اگر آن موضوع اول را کاملاً تحت نظر بگیرد که معلوم کنید تغییر اساسی چه چیز است گمان میکنم رفع اشکال را میکنند البته فوای دولت توجه داشته است قوای تمام وزارتخانه ها هم توجه داشته است برای آبادی اینها بنده میدانم ولی آقا ما یک مملکت هستیم و قتیکه یک جاهائی در یک مملکت آباد میشود آبادی بجای دیگر هم سرایت میکنند بقدر امکان ما باید یک ملاحظه بکنیم و بگوئیم همینطور ملک را بردار و برو و دیگر صحبت نکن. این پیشنهادی است که داده ام حالا دیگر هر چه واقع میشود.

رئیس - آقای طباطبائی.

طباطبائی - یکی از مواد پریچ و خم این لایحه ماده ۱۴ است ملاحظه بفرمائید یک شقوق و فروض مختلفه در این ماده پیش بینی شده است که اگر ملک تغییراتی درش داده شده ساختمانهای مهم شده وضعیت روز تصرف با وضعیت امروز تفاوت قیمت و این قبیل مسائل در این جا هست. اولاً بنده واقفاً تعجب میکنم این جا بنده حالی نمیشوم که ملک مردم را میخواهیم پس بدهیم یا میخواهیم یک املاکی را به بخشیم اگر فرض اول است که اینجا صحبت هم کردیم عنوان را عنوان غصب کردیم آقای وزیر دادگستری فرمودند غصب نیست و بعد در جلسه گذشته هم آقای وزیر و هم آقای نخست وزیر هر دو اعتراف کردند که غصب است مال مردم است و اگر غصب نبود لایحه

نوشته نمیشد صورت جلسه حاضر است بنده که اینطور شنیدم اگر اینطور است درش صحبت کنیم اگر فرض دوم باشد یعنی اگر املاکی است همانطور که در مواد نوشته شده است خریداری کرده اند چرا میخواهید بدهید آقا؟ مال شاهی بوده ملک را خریداری کرده حالا هم متعلق بدولت شده چرا مال دولت را میخواهید بدهید مردم آقا برای چه؟ پس مال دولت نیست و مجلس هم مقامش ارفع و اجل است از این که غصب را در تصویب این لایحه تصدیق و امضاء کند و بعد از این تحمیل که بما میشود تصدیق کنیم که انتقال صحیح است یعنی انتقال غاصب بدیگری اینهم البته مورد رضا و امضای مجلس نیست در درجه سوم تصدیق کنیم این فرمانی که صادر شده است که مال مردم را کسی به کس دیگر انتقال داده است و حالا به دولت انتقال داده شده است این صحیح است؟ این هم صحیح نیست برای اینکه هر کس میتواند مال خودش را بکس دیگر منتقل کند و بعد از انتقال فرمان صادر کند نه مال مردم را هم تصرف غلط بوده و برخلاف شرع و قانون و هم انتقالش و هم فرمانش (صحیح است) بنا بر این حالا که میخواهیم مال مردم را بخودشان پس بدهیم این فروض و شقوق را بنده حالی نمیشوم برای چیست این جا گفته شد مال ملت است چه چیز مال ملت است آقا؟ مال اشخاص است مال صاحبانش است یک اموال عمومی داریم مثل خزانه دولت مثل املاک خالصه که دست دولت است البته مال ملت است و یک املاک و اموالی داریم مال اشخاص است مال اشخاص تقسیم نباید بشود بین مردم این هم یک تکیه کلامی است که تکرار شده است در این جا که این مال ملت است خیر آقا مال ملت نیست اگر مال ملت بود آخر این چه لایحه است که آورده اند؟ یکی دیگر مسئله منافع است این جا چند مرتبه صحبت شد و گفتند باین که منافع را میخواهیم بدهیم و میگویند چون در این املاک ما خرج کرده ایم ساختمان کرده ایم از کجا بدهیم خوب آباد کرده ایم ملک را آبادی را از باب منافع با صاحبش حساب کنید البته وقتی که حسابتان با صاحبش درست در آمد یعنی هم غبن را رد کردید و هم منافع

زا البته ادای تکلیف شده است اگر زیاد و کم داشتید بدهید و بگیریید و این را هم فرمائید که از کجا بدهیم برای این که همه میدانیم که این املاک آن روزی که گرفته شده است با امروز که پس داده میشود خیلی فرق دارد البته آبادی شده است بنده هم میدانم و یکی دیگر اموال منقولی است که دولت خیال ردش را ندارد چه فرقی میکند شما که میخواهید احقاق حق کنید شما که داعیهتان این است که بعد از بیست سال بازده سال که جور مردم شده حالا تلافی کنید چه تفاوتی است بین يك ملكى که از مردم گرفته شده یا يك تکه فرش و اثاثیه که گرفته شده است و قیمتش هم خیلی بیشتر از يك ملكى است اینجا نوشته شده است ساخته ماهاى مهم را عرض میکنم ساختمانهای مهم دوجور است یا کارخانه است و یا بندر است که تأسیسات عمومی است و ملی است البته مال مردم است مال ملت است اینها را نمیشود دستش زد ولی اینجا گفته شده که قصر ساخته شده . میخواستند قصر بسازند آقا . حالا شما در اینجا مکلف هستید که واگذار کنید آقا یا اینکه بردارید بپردازید و قصر مال دولت است شاید منظور از این حرف به انکاء الزرع المزارع باشد ( رهبری - آقا قصر ~~که~~ زراعت نیست ) خوب يك فرمولی است فرمول ممکن است بهمه چیز اطلاق شود عرض میکنم اینجا طیرف دولت است کسی که تعدی کرده است دولت است يك ملكى را که غصب کرده است هر کاری که آنجا کرده است قصر ساخته چیز کاشته هر کاری که کرده است کرده باشد باید طرف را راضی کند یکی دیگر مسئله قیمت است در این ماده است که اگر بهای ملكى را دولت خواست بصاحبش بپردازد به قیمت روز و نصف به قیمت روز غصب باید بپردازد بموجب این ماده این عمل عادلانه نیست برای اینکه وقتی که ملك از دست صاحبش گرفته شده راضی نبوده است امروز همه چیز ترقی کرده ملك هم ترقی کرده گناه صاحب ملك چیست عرض کردم نیت شما این است که احقاق حق باشد وقتی که این جور شد دولت مکلف است هم منافع حاصله را بصاحبش رد کند و اگر خبر بداری هم میخواهد بکند به قیمت امروز باید خبر بداری کند (صحیح است)

برای چه ؟ چون معامله امروز شروع میشود نه امروز امروز که معامله صحیح و مشروع نبوده است و بنابراین بقیعت امروز بهیچوجه موضوع ندارد اگر این املاک مال مردم است پس آن معاملات بکلی غلط بوده است و غصب بوده است و معامله امروز صحیح است که بصورت قانونی است و به قیمت امروز هم باید داد و ستد بشود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم بنده بالا یحه موافقم و خیال میکنم هم آقایان هم موافقتند و دولت هم که این لایحه را حاضر شده است و آورده است به مجلس دلایلش همان موافقت است که اگر حقی از اشخاص من غیر حق برده شده است آن حق بر گردد بصاحبش ولی متأسفانه بنده رفقای خودم را می بینم که در این قسمت جنبه افراط را پیش گرفته اند و این را باید عرض کنم که این افراط بنفع همان اشخاصی تمام میشود که آقایان در مد نظرشان است و بضرر آلهائی است که باید بحق خود بر سند و بنظر بنده این آقایان هم مردمان عاقلی هستند و رضایت نمیدهند باین که يك مطالبی در اینجا گفته شود که موجب شود که حقوق آنها بتمام معنی بهشان نرسد اینجا بگفته از رفقا طرفدار این فکر هستند و میگویند که این املاک غصب است و دلیل هم می آورند که پادشاه سابق این املاک را بزور گرفته و تعدی کرده است این محل شبهه نیست که پادشاه سابق در این مملکت يك کارهایی کرده است که این کارها شاید صدی بود بدون رضایت اشخاص شده ولی بضره مملکت شده است (صحیح است) این قسمتهای عمران و آبادی که در تمام کشور شده آن تفرقه که بین ایلات و عشایر ما بود و اینها تخت قابو شدند و محلشان تغییر کرد ( مسعودی خراسانی - آقا اینجا چه ارتباط با حق مردم دارد ) عرض میکنم ملاحظه فرمائید بلد به يك جاهائی را خراب کرد بالاخره خانه ها و دکا کین از بین رفت و همه اینها بدون رضایت صاحبانش بود ولی بنفع کشور بود ما از او بنسب مردم قدر دانی میکنیم حالا این جا صحبت بر میگردد روی املاک بنده انصاف میخواهم آقایان توجه فرمائید يك املاکی بدون رضایت صاحبان آنها از آنها

گرفته شده است حالا هم دولت آمده است و این لایحه را آورده و مجلس هم موافق است و میگوید این املاک را پس بدهید بصاحبانش و لایحه هم برای طرز پس دادن اینها به مجلس آورده اند حالا همه آقایان مخالفت میکنند که این لایحه این جایش اینطور است آن جایش آنطور است نتیجه چه میشود نتیجه این میشود که این لایحه بصره صاحبان املاک تمام نمیشود ( طباطبائی - چرا آقا ؟ ) موضوع منافع در اینجا صحبت شد عرض کنم آقایان هر کدام که يك تکه ملک دارند اگر وجداناً يك قدری فکر کنند ملاحظه میفرمائید که آباد کردن يك ملكى چه قدر زحمت دارد و برای آبادی ملك نه فقط عایدات ملك کافی نیست بلکه شما باید مبالغ خطیری خرج بکنید باز هم موفق نمیشوید . آیا این املاک آباد شده است ، این املاک از صورت اولیه برگشته ، شما این ملكى را که الان در مازندران می بینید آن ملك سابق نیست امروز اگر يك عایداتی پیدا کرده و همه توجه باین عایدات میکنیم این عایدات رو اول نیست تمام بزور پیدا نشده است پولهایی خرج شده تا ملك آباد شده و عوایدی پیدا کرده است ( دکتر سمیعی - خیلی خوب آباد شده ؟ ) عرض کنم که هشتصد هزار تومان ، بموجب يك قانونی که خود آقای دکتر سمیعی هم در انجمن شهرداری طهران هستند اطلاع دارند قانونی گذشت از باج راه پانصد هزار تومان برای شهرداری طهران و سیصد هزار تومان هم برای تمام کشور بنده از آقای دکتر سمیعی میپرسم که این هشتصد هزار تومان در کجا خرج شده ؟ تمامش در مازندران خرج شده است ؟ (سمیعی - در دربند خرج شده است) دربند هم مال شماست چه فرق میکنند این صدی دو و نیم را که ما آوردیم از تمام شهرداری های ولایات جمع آوری کردیم و در وزارت کشور نمر کردادیم ، صدی دو و نیم بنظر چیز کمی می آید ولی وقتی مجموع آنها را ملاحظه کنید می بینید چه مبلغ خطیری میشود اگر بودجه وزارت کشور را ملاحظه فرمائید آنوقت ملاحظه میفرمائید که این مبلغ کجا رفته ( دکتر سنگ - همه اش خرج مزرعه نشده خرج عمارات شده است صحبت سر مزرعه

است عمارت را که کسی نمی خواهد) بلی حالا موضوع مزرعه را عرض میکنم . آقایانیکه در لاهیجان علاقه دارند میتوانند این مطلب را بفهمند شاه سابق آمده دو بیست هزار جریب باغ چای گرفته است این باغ چای را خودش آباد کرده است اولاً آقایان میدانند که يك باغ چای که میخواهد آباد شود يك مبالغ زیادی خرج دارد تا اینجا باغ چائی بشود و مدتها وقت لازم است تا از آن باغ چای بتوان استفاده کرد .

( دکتر سمیعی - تمام بدست خود زارشین آباد شده آقا خارج از موضوع است ) بنده عرض میکنم باغ چای که اعلی حضرت شاه سابق گرفته آن طول مدتی که يك باغ چای باید پیدا کند پیدا نکرد برای اینکه مهال های این و آنرا کمند و بردند آنجا کاشتند و از سال دوم بهره برداری کردند خوب حالا ما قیمت این زمین را روزیکه شاه سابق خریده است میتوانیم مقایسه کنیم شاید آن روز پنجاه تومان نخریده است بنده شنیدم که از جریب ده تومان هم خریده است و بادش کرده و حالا جریب دو هزار تومان می ارزد و حال میخواهیم برگردانیم مال ~~کسی~~ را بر میگردانیم ( نمایندگان با همه - مال خودشان است ) آقا مال مردم است عرض میکنم مجلس شورای ملی و خود بنده هم از طرفداران این فکر بوده ام از روز اول که باید این املاک بصاحبان آنها یعنی به اشخاصی که از آنها گرفته شده برگردد اما در قسمت منافع صحبت منافع ~~که~~ پیش می آید مطلب را منقلب میکنند بعضی از آقایان میفرمایند حساب کنید منافع از روز اول را آقا مخارج عمران اینجا را هم حساب کنید که چه قدر شده شما به بودجه کشاورزی مراجعه کنید بنده بودجه دستم است آقایان اعضاء کمیسیون بودجه هستند آقایان صدی هفتاد بودجه کشاورزی صرف عمران و آبادی مزارع مازندران شده است یا خیر ؟ حالا ما میگوییم که این عمران و آبادی و این مخارجی که دولت کرده است همه را برایگان بدهیم به اینها ولی اگر این آقایان ببالکین تمام این منافعی که الآن صحبتش میشود اگر پنجاه برابر هم روی آن میگذاشتند میتوانستند این ملك را باین صورت

آباد در بیاورند؟ (طباطبائی - آقا کی گفته بود آباد کنند) آن منافعی که آقایان میفرمایند حساب کنید این مخارج عمران عوض آن منافع. بالاخره بنده خیال میکنم که یک مالکی باید خیلی خوشوقت و خیلی راضی باشد که دست قضا و قدر یک مالکی را که باطلاق بوده است امروز آباد کرده و بدست صاحبانش میدهند بنده اولاً عرض میکنم که اگر خودم در مازندران علاقه ندارم بستگانم دارند و از این قانون هم استفاده میکنند و در همان اوقات هم رفته ام و وضعیت فعلی را هم دیده ام همین حبیب آبادی که الان نوشهر است سابق از یک فرسخ و نیمیش نمیشد گذشت از پشه و منجلا ب ولی امروز بهترین شهر اروپائی شده است (انوار - رعیت گرسنه را برده اند آباد کرده است آقا) شما هم مداش را میفرمائید منافع این منافع است که یک شهر آن جویری و یک مزرعه آن طوری از آن صورت در آمده امروز که شما این ملک آباد را دست صاحبش میدهید آرزو آن صاحب مزرعه از این مزرعه بر میداشت پنجاه تومان صد تومان ولی امروز که شما دستش میدهید بر میدارد پنج هزار تومان (یک نفر از نمایندگان - آقا شما وارد نیستید خیال میکنید) بنده خوب واردم حالا کار دیگری میکنم و نمیگوئیم که منافع را میدهیم ولسی یک مصدقی هم شما انتخاب کنید عایدات آن روز این مزرعه را در نظر بگیرید و ملاحظه کنید با امروز چه قدر فرق کرده و ملاحظه نمائید که برای تبدیل عایدات یک ملک از پنجاه تومان به نایستد تومان چه قدر خرج لازم است بالاخره همانطور که در یک جلسه دیگر هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم که رفقا از جنبه افراط قضیه صرف نظر کنند و با این قانون موافقت کنیم شور اول تمام شود و برود بکمسیون پیشنهاداتی هم که شده در اینجا دوباره مورد دقت واقع میشود و با یک روح واحدی میاید بمجلس عرضی که بنده داشتم در قسمت این سه هزار تومان بود بنده اول که خدمت آقای وزیر داد گستری رسیدم فرمودند که ما دو هزار تومان در نظر گرفتیم آروز بنده عرض کردم که چه دلیل دارد که دو هزار تومانی استفاده

و این بهترین پاداش است برای مالک و برای زارع که خودش قطعاً نمیتوانست آباد کند بدلیل اینکه سال ها در دستش بود و نتوانست آباد کند نه برای آن ها ممکن بوده است برای کسی دیگر هم ممکن نبود برای این که برو باد و مه خورشید فلک در گذر بود و تمام تشکیلات و سازمان های کشور جمع شده بود تا آنجا و کرمانشاه و جاهای دیگر آباد شده (مهمه نمایندگان) (نبیل - معینی -) بوم شهر بورامتجان خودش را داد) باینجهت بنده پیشنهاد می کنم این کلمه سی هزار ریال را آقای وزیر داد گستری اینجا بر دارند که هیچ دلیل منطقی برایش نیست زیرا قسمی اینجا نوشته شد سی هزار ریال دیگری می گوید پنجاه هزار ریال و بنده میگویم شصت هزار ریال و اگر ما میخواهید به این اشخاص کمک کنید بهترین کمک سریع در کار و انجام آن است بهترین کمک ها بجا ندادن بنده و دیگران در وارد شدن در این هیئت ها است در مرقع کار و عمل (صحیح است) که طوری این هیئت ها را انتخاب کنند که حقیقه حق بصاحبش برسد نه اینکه اشکال تراشی کنند و مردم را معطل کنند و درد سر ایجاد نمایند و رقتی که حقی را تشخیص دادند حکم صادر کنند و حق مردم را بدهند و مردم را از این معطلی خلاص کنند. اما در مقابل یک املاک دیگری که محتاج میشوید پول بگیرید بنده عقیده ام این است که اینجا هم ارفاق کنید و به طور اقساط بگیرید یعنی اقساط ده ساله و بیست ساله و سی ساله که فشاری وارد نشود. و بنده از این نظر از آقایان رفقای خودم استدعا می کنم افراط در قضیه نکنند و بگذارند این لایحه بگذرد و بعد هم پیشنهادات بهتری اگر هست میدهیم و میرود بکمسیون و در کمسیون هم تجدید نظر میشود و می آید به مجلس و راجع باین قسمتهائی هم که بنده عرض کردم اگر آقایان نمایندگان محترم در ضمن صحبت موجب تأثرشان فراهم شده است بنده خیلی معذرت میخواهم البته باید مجلس اینطور باشد که هر کس بتواند نقابد خودش را اظهار کند. (صحیح است)

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است دکتر تاج بخش - بنده اجازه خواسته ام . . . رئیس - قبل از شما آقای نقابت اجازه خواسته اند و چهارده نفر هم میخواهند صحبت بکنند. آقای نقابت. نفیذ احمدی - پیشنهاد هم داده شده است. نقابت - عرض کنم این ماده چهارده باقتضای اینکه ماده چهارده است گویا چهارده نفر هم اجازه خواسته اند ولیکن خود این ماده ستضمن پنج ماده است زیرا تا شق هوز ادامه پیدا کرده است و این پنج شش قسمت یا پنج شش ماده تشکیل این ماده را داده است و بنا بر این مفصل است و این لایحه تشکیل میشود از ماده چهاردهم و ماده دیگری نیست و بقیه فقط تشریفات است و البته آقای وزیر داد گستری هم موافقت میفرمایند که یک قدری بیشتر در این ماده بحث شود بشرط اینکه آقایان رفقا هم موافقت بفرمایند (جمعی از نمایندگان - بفرمائید آقا) آقای اعتبار هم که تشریف بردند. از موضوع خارج نشویم و در هر ماده هم بحث نکنیم. عرض کنم این ماده چهارده یک اشکال عبارتی دارد و خواهش می کنم توجه بفرمائید در شق ج . . .

جمعی از نمایندگان - عده کافی نیست. رئیس - کافی شد. بفرمائید. نقابت - بانی در شق - ج - قید شده: و تفاوت مبلغ خریداری با بهای حقیقی تاریخ (در سفر دوم صفحه ششم) معامله مطابقت نکند. این کلمه تفاوت باید حذف شود و ذکر شود مبلغ خریداری با بهای حقیقی تاریخ معامله مطابقت نکنند زیرا تفاوت هیچوقت مطابقت نمی کند باقتضای اینکه تفاوت است. . . (صحیح است) وزیر داد گستری - بانی غلط چاپ شده است باید اصلاح شود. نقابت - بسیار خوب این کلمه تفاوت باید حذف شود. اما در قسمتهائی که ذکر شده است هر گاه در ملک احداث ساختمان مهم و یا تغییرات اساسی دیگری داده شده باشد

حکم برد تفاوت بهای ملک مطابق وضعیت روز انتقال صادر خواهد شد و ملک بملکیت دولت باقی خواهد ماند. این جا يك اعتراض واردی از ناحیه آقای طباطبائی شد که قیمت آن روز را اگر امروز بدهند اینک موضوع ندارد و بی فایده است زیرا این شخص فقط گناهش این بوده است که ملکش را ارزش گرفته اند ولی در هر کجا این آدم این ملک را می داشت ترقی می کرد اعم از اینکه در تهران بود یا بوشهر بود یا کرمان یا شیراز یا جنوب یا شمال یا شرق یا غرب ملکش دست خودش بود و يك ترقی قیمتی که باقتضای ازدیاد خرج و پیشرفت امور اقتصادی پیدا شده این تفاوت در ملک او هم بوده و پیدا می شده و باید جبران ضرر او بشود بنده برای جبران این موضوع چون از طبقه افرایمی نیستم پیشنهادم این است یعنی ~~تفکر~~ این است با آقای وزیر دادگستری در املاکی که تغییرات مهم اساسی داده شده و نظر بمقتضیات صلاح نیست عین آن ملک را پس بدهند بعلاف مثل قصر رامسر و بابلسر و يك همچون ساختمانهایی که آبروی يك کشوری است .

**مهندس سنگ** - خون دل مردم است .  
**نقاب** - و نباید عیناً پس داده شود بان شخص .  
**دکتر سنگ** - کسی هم آنها را نخواسته .

**نقاب** - و در جاهایی که وضعیت از این قرار است موافقت میکنند که ملک دیگری بجای او بدهند معادل با آن ملکش فرض کنید در محل ملک او قصر ساخته شده آن محل را هم بهش نمیدهند اینها بروند و يك قطعه دیگری از حدود مازندران که از حیث عایدات و وضعیت تعادل بکنند با آن ملک بهش بدهند نه اینکه پول بهش بدهند که آن اعتراض آقای طباطبائی هم وارد بشود البته آن ملک اگر ترقی کرده است بهمان نسبت ملک دیگری باو داده شود و تفاوتی در هر حال ندارد البته این جا آقای وزیر دادگستری هم تشریف دارند بنده در که سیون هم تذکر دادم فرمودند در صدر این ماده قید شده است که هیئتهای رسیدگی و دادگاهها رأی هایی خواهند داد اعم از تعویض یا استرداد و چه و چه اما

مطالعه می شود ولی نکته که قابل توجه است و در جزو مایشات آقای اعتبار هم بود این بود که آن سی هزار ریالی با آن پنجاه هزار ریالی یا با آن سی هزار و پنجاه ریالی چه فرق دارد و آن سی هزار و پنجاه ریالی چه تقصیری کرده است برای جبران این کسر قیمت و غبن باز نظر بنده این است که (تذکره می خواهم عرض کنم) این سی هزار ریالی را کسر کردن خیلی صحیح است آن سی هزار و پنجاه ریالی یا آن پنجاه هزار ریالی را هم بایستی سی هزار ریالی را بمصدق این نظر ول کرد و باقی را گرفت زیرا همانطور که فرمودند چه فرق است بین این دو و گناهی نکرده است آن کسی که بهای پرداختی ملکش بیش از سی هزار ریالی بوده با آنکه کمتر بوده ؟ آن سی هزار و پنجاه ریالی بدهد و آن سی هزار ریالی ندهد ؟ چرا ؟ و صحیحش همان است که تا همین میزان با هر میزانی که مجلس شورای ملی رأی بدهد کسر کنند و نسبت بمازاد آنوقت بقیه را باید گرفت .

نکته دیگر این است که املاک خالصه دولتی را که البته آقای اعتبار الدوله هم از آنها خریده اند توجه دارند که با تساط پنج ساله فروخته اند . بمزایده گذاشته اند و مردم رفته اند و خریده اند پنج ساله و حتی منطبق دولت هم این بود که دولت مالک و زارع خوبی نیست و بهتر این است که این املاک دست مردم باشد تا آباد بشود بهمین جهت آمدند و برای عمران و آبادی بهمین ترتیب املاک خالصه را فروختند و در موقع فروش قانون فروش خالصجات اجازه داد که تا پنج سال بهای این املاک را باقساط بگیرند و خود ملک هم وثیقه باشد حالا در این مورد هم پولی که در مقابل رد ملک از اشخاص میخواهند بگیرند یکی از تقاضاهای بنده این است که آن را هم باقساط بگیرند زیرا که این اشخاص اگر خیلی نخواستیم اغراق بگوئیم فقیر شدند بی پول شدند ندارند که بدهند حالا که ملکشان را بیایک رایی میخواهند پس بدهند و يك مقدار پولی هم از بعضی هاشان بگیرند موافقت بفرمائید که این پول را آنها باقساط بدهند و برای این موضوع هم پیشنهادی هست که بیست و هفت هشت نفر هم امضا کرده اند

يك نکته دیگری هم در پاسخ آقای اعتبار عرض کنم که مثال زدند برای باغ چای و مخارجی که در آنجا شده است البته باغ چای چند سال وقت میخواهد برای اینکه باغ چای بشود مزارع بسیاری را بنده سراغ دارم که اشخاصی که املاکشان را پیش بانک کشاورزی کرو گذاشته اند به پنج هزار تومان که بروند باغ چای درست کنند یعنی در مقابل ملکی که ده دوازده هزار تومان قیمت داشت پنجاه هزار تومان از بانک گرفته اند پنجاه هزار تومان هم از خودشان گذاشته اند این شد ده هزار تومان و ده هزار تومان را برداشتند و رفتند باغ چای درست کنند و درست کردند . بعداً بانک کشاورزی با آنها اختلال کرده که این املاک ارقیتم ساقط شده باین جهت شما يك وثیقه دیگری باید بما معرفی کنید و ما این ملکشان را قبول نداریم و این املاک را قیمت کردند با دوازده هزار تومان دوهزار و دویست تومان سه هزار تومان گرفتند و حالا آن املاک باغ چای شده است و حالا که دارید يك ملکی را با باغ چای بهش پس میدهند البته بیکاری کردن رعیت راهم در نظر بگیرید ازدیاد قیمت راهم توجه بفرمائید آنوقت . اما اینکه فرمودید خرجهائی را هم دولت کرده است بعنوان عمران و آبادی عرض میکنم این مخارج در تمام ایران شده است راه آهن در تمام ایران امتداد پیدا کرده از همه املاک از شمال بجنوب گذشته جاده های شوسه هم در همه جا هست بالاخره آقا همه جا ترقی کرده است منتھی کم و زیاد دارد البته آن کسی که میفرمائید دارای ملک است الا آن املاک بروجرد که آقای اعتبار متوجه هستند با ده سال پیش قیمتش مساوی است ؟ البته ممکن است از حیث مقدار محصول مساوی باشد و صد خرور بدهد ولی قیمتش آنوقت صد تا سه تومان بود حالا صد تا سی تومان تا پنجاه تومان است پس ترقی در همه جا هست فقط چیزی که ما را قدری از جاده حقیقت منحرف میکنند این است که مجلس شورای ملی و آقایان نمایندگان که واقفاً اهل رعایت اصول هستند هیچ نباید فکر کنند که این ملک را بمازندران میدهند یا بعمرو و زید میدهند خیر فقط باید رعایت اصل و فاعده را بکنند رعایت احترام قانون



و مقررات را بکنند بعد بقیه کارها حل میشود هر کس مشمول این مقررات بود استفاده میکنند هر کس که مشمول نبود استفاده نمی کند البته شأن مجلس شورای ملی رعایت اصول و قواعد است اصول وقتی که میگوید وقتی غاصب در هر جا که وارد شد اگر پنجاه میلیون پول خودش یا پول دیگری را یا پول مردم را برداشت و برد و در ملک مردم خرج کرد از جیبش رفته و در ملک مردم ساختمان فضل کرده (صحیح است) و عمل غلط کرده (صحیح است) این اصل را باید مجلس تصدیق کند (صحیح است) حالا که مجلس در مقابل یک عمل انجام شده واقع گردیده است باید آن اعمال را باطل کند و راه علاجش هم این است که بگوئیم آن فرمولها غلط است یا انتقاد از آن فرمولها بکنیم باید آن عملیات را صحیح بدانیم و در مقابلش هم چاره جوئی کنیم و بگوئیم که مدعی حق طلبی مدعی منافعتش هم بشود ولی وقتی که خواستیم رسیدگی کنیم بگوئیم چون مملکت فقیر است و این پولها از جاهای دیگر آمده است بهتر است که اینجا صدی یک از منافع بدهیم هزار یک از منافع بدهیم ولی اصل را هم احترام کنیم ممکن است بمحکمه اختیار بدهیم که دعوی او را با یک سیرتبات صلح کنند حتی من معتقدم که در ماده بگذرانند که محکمه حق داشته باشد دعوی او را جبران کند و با یک سیرتبات صلح کند برای اینکه یک اصل قانونی که از مجلس میگذرد اصول قانون مدنی و مقررات عمومی کشور و قوانینی که مجلس شورای ملی وضع نموده در آن رعایت شده باشد و محفوظ بماند ماطرفدار این معنی هستیم والا کمپانی تشکیل نشده است و این خیانت است که یک اشخاصی میروند در خبارج و بعنوان مخالف یا مخالفین لایحه ایجاد یک زمین میکنند ما در این فکر نیستیم و نظر سوئی هم نداریم بنده مخصوصاً یک وجب زمین در اینجاها ندارم از هیچکس هم اختیاری برای تعقیب حقیقتش قبول نمیکنم ولی معتقد هستم که اصول و مقررات قانونی باید رعایت شود و این میزان مثل یک ترمومتری در دست بنده است هر جا که موافق و درست بود میگویم درست است و هر جا درست نبود

تذکار میدهم توضیح میدهم و میگویم . معذک عریضی که بنده عرض کردم فقط در حدود ماده و اصلاح عبارتی و اصلاح عنوانی بود یکی دونا پیشنهاد هم امانت آقایان نمایندگان است و در حدود بیست و هفت هشت نفر امضاء کرده اند که تقدیم میکنم .  
**رئیس - آقای دکتر تاج بخش .**  
**دکتر تاج بخش -** راجع باین لایحه بنده عریضی داشتم مخصوصاً در این ماده در پیشنهادی که بنده کرده ام از برتری این بود که دولت و مجلس را دیدم که حاضرند احقاق حق بشود و هر چه زودتر این املاک بصاحبان حقیقی خودش برسد نظر باینکه حالا اینطور است هم دولت و هم مجلس میدانند که زودتر برسد بنده اولاً پیشنهاد سه هزار تومان را پنجاه هزار تومان کردم عدد دیگر از آقایان هم همین پیشنهاد را داده اند که پنجاه هزار ریال بشود برای اینکه قسمت اعظم این دعاوی بکای ساقط بشود و دیگر اینکه اولاً آقایان بهتر میدانند که این قبالة هائی که نوشته شده است این قبالة ها تماماً صورت است این دو هزار تومان این سه هزار تومان این پنجاه هزار تومان حقیقه بصاحبش داده شده است (جمعی از نمایندگان - خیر) داده نشده است یک مقداری پول تمبر برداشته اند یک مقداری هم اطرافیان او که دست ظلم او بوده اند و در حقیقت از او ظالم تر بوده اند (صحیح است) خودشان برداشته اند آنوقت آن صاحب ملک بیچاره برای اینکه اذیت بیشتری بهش شود و صدمات فوق العاده تری به بیند آمده و بقیه را هم بخشیده با آنها یعنی بآن کسانی که متصدی این اعمال زور و تعدی میشدند (صحیح است) یعنی در حقیقت چیزی با آنها داده نشده است پس از برای اینکه سه هزار تومان پنجاه هزار تومان بشود و عدد زیادی هم پیشنهاد نموده اند امیدوارم آقایان نمایندگان محترم عموماً موافقت بفرمایند که این مقدار که پول تمبر و غیر ذلک داده شده است و آنهم بدست صاحبش نرسیده و در واقع اگر هم بفرض حال باو میرسید تازه بالذاته بهره مالکانه یکسال آنها نبوده است تا میزان پنجاه هزار تومان لااقل صرف نظر شود که مقدار

زیادی از دعاوی ساقط شود زیرا همه آقایان میدانند همان ملکی را که باین قلیل مبلغ که آنهم بصاحبش داده نشده است از دست مالکش گرفته اند و در واقع بهیچ برده اند در همان سال اول بهره مالکانه اش پیدایش از دو هزار تومان و سه هزار تومان و چهار هزار تومان بوده است ولی در مقابلش چیزی با آنها نداده اند بنده عرض میکنم که تومانی لااقل در قران سه قران چهار قران هم از همین بهره مالکانه سال اول که ملک را برده اند برای مالکین منظور نکنند و این توت را هم با آنها نداده اند . باضافه بعضی از آقایان میفرمایند ملک حالا با سابق ترقی کرده بنده عرض میکنم ملک مزروعی ملاحظه بفرمائید یک کسی که بیست هزار متر زمین در بیست سال پیش خریده متری یکشاهی حالا میفروشد متری سی تومان چهل تومان در صورتیکه هیچ عملی و هیچ کاری هم در آن نکرده است چکار کرده است ؟  
**ثقة الاسلامی -** اینطور نیست در تمبر بز متری بیست تومان می خریدند امروز دو قران هم نمی خرند آقا . . . .  
**یکی از نمایندگان -** بندر بهایوی را به بینید از چه قرار است . . . .  
**دکتر تاج بخش -** در همه جا هست ملاحظه بفرمائید . اجازه بدهید اینکه می فرمائید بر سبیل اتفاق است و روی پیش آمد اخیر است والا در سال قبل اینطور نبوده است و در آیه هم امیدواریم که باضعاف مضاعف بقیمت آنها هم اضافه شود و جبران شود تا آباد بشود . ملاحظه بفرمائید همینطور که آقایان فرمودند غالب این عمران و آبادیها در همین املاک مزروعی که می فرمائید با سابق ترقی کرده روی چه عواملی بوده است . این عمران و آبادیها همه بدست این اشخاص مالکین بوده و بدست اینها آباد شده است بیگار گرفته اند تا املاک آباد شده است و بدست خود اینها بوده اینکه یکی از آقایان فرمودند آقای انوار فرمودند که فقط ناهار با آنها داده اند اینطور نیست بنده یک قسمت را اطلاع دارم در صورتیکه مازندران نیست ولی اطلاعاتی پیدا کرده ام عملجانی که در آنجاها کار می کرده اند و به بیگار میبردند ناشار را هم از

جای دیگر تهیه می کردند شاید یک قسمت گدائی می کردند و با آنها میدادند این خیلی تأثر آور است و این را امیدوارم موافقت بفرمایند و در نظر بگیرند که همان پنجاه هزار تومان بشود . یکی اینکه خواستم عرض کنم و تذکر بدهم که این املاک بلا واسطه بصاحبان ملک مسترد شود (ملوسی - این پیشنهاد قبلاً شده است) هیچکس حق ندارد واسطه از برای گرفتن املاک بشود که بعد از این زحمت و مزارت از چاه در بیایند و توی چاله بیفتند و یک اشخاصی در وسط واسطه نباشند که بیایند و بگویند از این شش دانگ دو دانگش مال آنها باشد یک دانگش مال اینها باشد تا کار را خاتمه دهند . خیر واسطه در کار نباشد (صحیح است) و تریبی بدهند که ملک فقط بصاحبان آنها داده شود (صحیح است) این است پیشنهاد بنده و چون آقایان خیلی خسته هستند بنده دیگر عرض نمیکنم . . . (امیر تیمور - نه خیر بفرمائید) نه چون آقایان خسته هستند و ظهر هم گذشته است دیگر عرض نمیکنم . (صحیح است . . . احسنت)  
**جمعی از نمایندگان -** مذاکرات کافی است  
**عده دیگر -** ختم جلسه  
**رئیس -** مقدار زیادی پیشنهادات رسیده است . . . .  
**دکتر طاهری -** مذاکرات کافی است . پیشنهادات خوانده شود . (صحیح است)  
**انوار -** بنده با کفایت مذاکرات مخالف هستم اجازه می فرمائید  
**رئیس -** رأی میگیریم  
**طباطبائی -** بنده هم مخالف هستم با کفایت مذاکرات اجازه بفرمائید عرض بکنم بعد رأی بگیریم . . . .  
**جمعی از نمایندگان -** رأی بگیریم  
**رئیس -** آقایانی که مذاکرات کافی میدانند برخیزند (اکثر برخاستند)  
**انوار -** تصویب شد ؟  
**هاشمی -** پنجاه و چهار نفر بود . اکثریت بود  
**رئیس -** تصویب شد .

[۴ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه

ملک مدنی - اجازه می فرمائید؟ چند فقره مرخصی است که گزارش آنها از کمیسیون عرایض و مرخصی داده شده وراجع با قایمان نمایندگان است استدعا میکنم مطرح شود چون مدنی است ماول کشیده است .

رئیس - میماند برای جلسه بعد . (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه .

رئیس - جلسه آئینه روز یکشنبه ۲۶ بهمن ماه سه ساعت پیش از ظهر دستور لوایح موجوده  
(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری